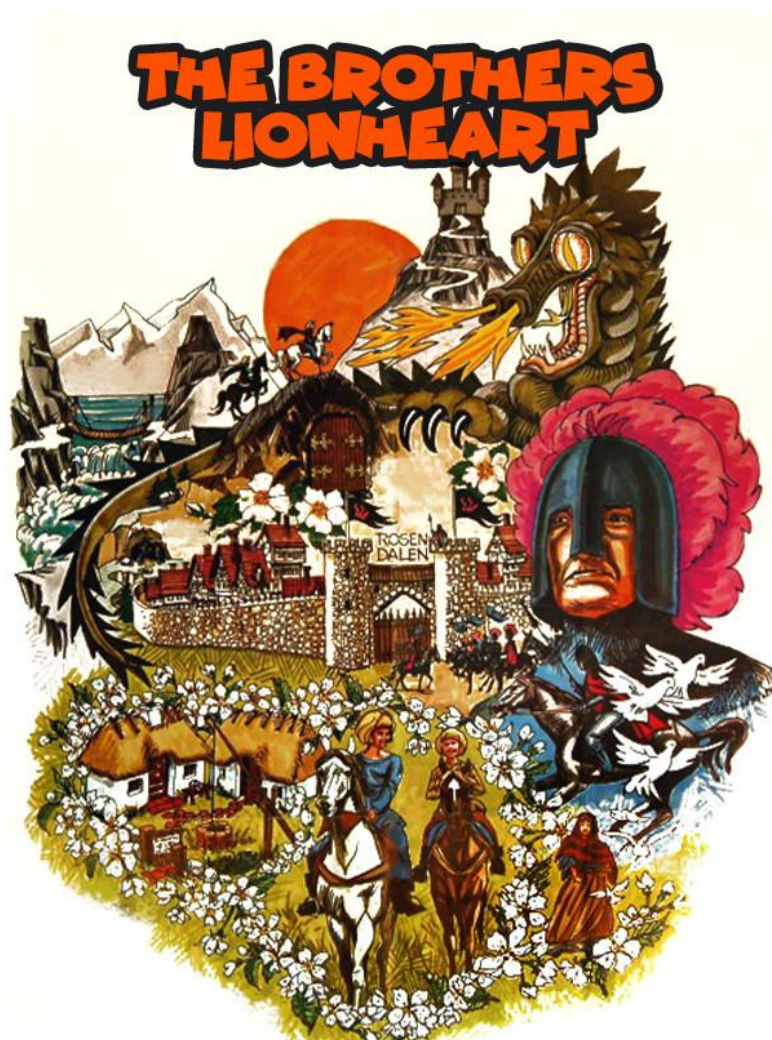


چی بخونیم؟

(نشریه ویسپوبیش - سال یکم - شماره سوم)

آرمان آرین



برادران شیردل

نوشته: آسترید لیندگرن

تصویرگر: ایلون ویکلند

ترجمه: اکبر گلرنگ

نشر مردمک - تیرماه ۱۳۶۳

چاپ نخست - ۲۸۹ صفحه

«برادران شیردل» را شاید نسل نو کمتر بشناسد و شاید در برابر آثار شاخص فانتزی معاصر و نسبت به داستان‌های انگلیسی همین ژانر که فیلم‌های بزرگی هم از آنها ساخته شده، کمتر مورد اقبال فانتزی-بازان قرار گرفته باشد.

اما داستان خانم لیندگرن سوئدی، نه تنها چیزی از آثار پُرمطراق مشابه کم ندارد، بلکه به نوعی لطافت و نرمی در جهان برساخته‌ی خویش دست یافته که در کمتر اثری - حتی آثار دیگر نویسنده‌اش - می‌توان نظیر آن را یافت.

راوی یکم‌کس (اول شخص) یعنی کارل، پسری است بیمار و نزار و فقیر که با مادر و برادر بزرگ‌ترش یوناتان زندگی می‌کند. مادر بطور شبانه‌روزی کار می‌کند تا خرج زندگی را بدهد و یوناتان نوجوان از هر نظر زیبا، دلربا و محبوب است. کارل اما همیشه در گوشه‌ای از

آشپزخانه افتاده و سرفه می‌کند و انتظار مرگ زودهنگام خود را می‌کشد.

تم اصلی داستان، همین مرگ است؛ زندگی مینوی ما در عوالم روحانی بعد از زندگی‌مان در این عالم خاکی. آن لطافت و زیبایی که گفته شد، درست همین‌جا و در نحوه‌ی داستان‌گویی برادران شیردل رخ می‌نماید. قرار است یوناتان زنده بماند تا دنیا و مادرش و حتی برادر کوچکش به او افتخار کنند و کارل باید هرچه زودتر از دنیا برود تا هم خودش آسوده شود و هم از دردسرهای خانواده بکاهد...

اما دست سرنوشت، ماجرا را جور دیگری رقم می‌زند و این برادر بزرگتر است که با مرگی حماسی، به سرای دیگر می‌شتابد و کارل است که تنها می‌ماند! احساس می‌کنم هرچه بیشتر از این داستان می‌نویسم، خلاف تصور، داستانش کمتر اسپویل می‌شود چرا که روحی در اثر جاری ست که با گفتن خط روایت اصلی آن از بین نمی‌رود!

برای همین است که باید خود کتاب را خواند و با کارل همراه شد که چگونه با یوناتان همسفر می‌شود! چگونه نام خانوادگی آنها که «شیر» است به «شیردل» بدل می‌گردد و آنها وارد لایه بعد و جهانی از زندگی آخروی خود می‌شوند که نظیرش را تنها در قصه‌ها و افسانه‌های کهن خوانده و شنیده‌اند! عصر اژدهایان؛ سلحشوران و دلاوران.

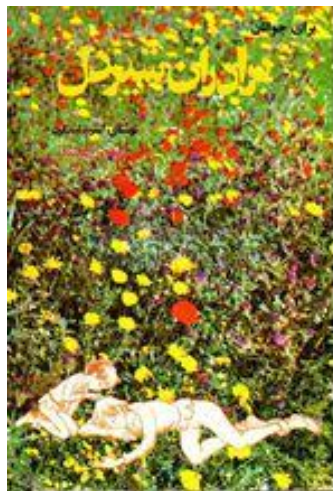
جایی در میان دو درّه‌ی آلبالو و گل‌سرخ که نانگیالا نامیده می‌شود و گرفتار ستم حاکمی خونخوار به نام تنگیل است که با اژدهای زهرآگینش کاتلا، بر مردمان حکم می‌راند، صدای هر مخالفی را سرکوب می‌کند و رهبر مخالفان را نیز به سیاهچال انداخته است.

در مسیر داستان و در کنار کارل که آرام‌آرام، تندرستی و شجاعت خویش را بازمی‌یابد، خواننده‌ی کتاب نیز قد می‌کشد و بسوی یوناتان شدن - که نمونه‌ی آرمانی سلحشورانِ از جان گذشته است - پیش می‌رود...



نوجوانی که این داستان را می‌خواند مستقیم یا غیرمستقیم، ستم-ستیزی را می‌آموزد، درس آزادگی و آزادی می‌گیرد و به هدفمند بودن هستی، امیدوار می‌شود. می‌فهمد که روح آدمی را پایانی نیست و برای

تکامل انسان در وسعتِ هستی، انتهایِ نخواهد بود. روحِ انسان آمده است تا با تکاملِ مرحله به مرحله‌اش، عوالمِ عالمِ آفرینش را در لایه‌هایی ناشناخته طی کند تا به نقطه‌ی تکاملِ آرمانی خود برسد. و خواننده می‌آموزد که نباید به ظاهر قضاوت کرد و خائن، همواره در لباس خادم، ظاهر می‌شود تا همه را بفریبد و شرارت‌های خویش را در خفا پیش ببرد. می‌آموزد که باید در آن بخش از ماجرای هستی که خود در آن است، نقشی موثر و سازنده را به دوش بگیرد و برای قیام در جهت یاری به نیکی و رفع پلیدی، بهانه نیاورد. برادران شیردل، لبریز از عواطف انسانی و تعلیمات اخلاقی و عرفانی است، منتها به زبانی ساده و در داستانی به غایت لطیف و وقایعی که شاید در ظاهر، خطی‌اند و پیچیدگیِ چندانی در آنها پدیدار نمی‌شود. شخصیت‌پردازی‌های عالی و کافی، وقایعِ متناسب و پُرکشش، فضاپردازی‌های مناسب و نابِ برخاسته از فرهنگ اسکاندیناوی و مسیحی، دیالوگ‌های بی‌نقص و روایتِ درخشان و موجزِ کتاب، و سرانجام تصویرسازی‌های شاهکار آن سبب می‌شود که هرکسی یک‌بار این داستان را بخواند، خاطره‌ای دل‌انگیز از آن را با خود، به ارمغانِ عمر خویش بردارد.



برادران شیردل
نوشته آسترید لیندگرن
ترجمه امیر کترنگ

خوشبختانه ترجمه‌های زیادی از داستان برادران شیردل آسترید
لیندگرن در ایران صورت پذیرفته که دست‌کم چهار نسخه‌ی زیر است:

ترجمه اکبر گلرنگ - نشر مردمک ۱۳۶۳

ترجمه محمد زرین‌دل - نشر نقطه ۱۳۷۶

ترجمه بهمن رستم‌آبادی - نشر زنبق ۱۳۹۷

ترجمه جمال اکرمی - نشر محراب‌قلم ۱۳۹۸

ترجمه پنجم را اما پیشنهاد نمی‌شود چرا که درباره‌اش حرف و حدیث-
هایی هست که خریدن و خواندن آن را مشکوک و غیرشفاف و نهایتاً
غیرفرهنگی می‌کند:

<https://www.calameo.com/books/001219353ec8d41490353>

برخی گفته‌اند که نسخه‌ای از برادران شیردل که به نام «درّه گل سرخ»
با ترجمه دکتر عزیزالله قوطاسلو و ویرایش رضا رهگذر (محمدرضا
سرشار) که در شناسنامه کتاب بصورت «م.س» آمده، کپی از ترجمه‌ی
اکبر گلرنگ است. مواردی که این شک را تقویت می‌کنند، علاوه بر
اینکه در خود کتاب وجود دارند، در هویت نامعلوم مترجم نیز افزون
می‌شوند. بنابراین این دست مسائل، تا پاسخگویی دقیق تولید-
کنندگان این نسخه (به ویژه ناشر اولیه «کتاب‌جوانه» و انتشارات
«سوره‌ی مهر» که تجدیدچاپ درّه گل سرخ را انجام داده)، حل نشده
باقی خواهند ماند.

به خوانندگان این متن اما خواندن ترجمه‌های دیگر این رُمان درخشان،
(به ویژه برگردان نخست از اکبر گلرنگ) پیشنهاد می‌شود که نسخه‌ای
روان و شیرین است و شما را در دنیای برادران شیردل، چنان‌که
شایسته است، غوطه‌ور خواهد کرد.

پایان



آسترید لیندگرن (۱۹۰۷ - ۲۰۰۲) Astrid Lindgren

نویسنده‌ی کتاب‌های برادران شیردل،

دزد در جنگل نیست، میومیوی من، پی‌پی جوراب بلند و...